

محبت در قرآن و روایات

لیلا محمدی^۱

چکیده

حب و بغض دو مفهومی است که با زندگی همه انسانها عجین شده و از فطریات اولیه بشر هست. از این رو در معارف بشری و معارف الهی که در کتب آسمانی منعکس شده به خصوص در قرآن کریم، از آن، مطالب و معارف مفصلی عنوان شده است. در آخرین کتاب آسمانی برای تبیین این مقوله فطری، اقسام آن، درجات، رابطه میان حب انسان و خداوند، بهره مندان از حب الهی و محرومین از آن و ... از واژه های مختلفی استفاده شده است، که در این نوشته تا حد امکان به بررسی همه آنها در رابطه با «محبت» پرداخته شده است. از این رو می توان به ضد آن (بغض) معرفت پیدا کرد که تعرف الاشياء باضدادها.

کلید واژه: محبت، مودت، الفت، دوست، خلت

۱- طلبه سطح ۲، پایه سوم، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) خوراسگان

نزد امام باقر علیه السلام از محبت سخن به میان آمد، حضرت فرمودند: «هل الدين الا الحب»؛ آیا دین چیزی جز محبت است؟ سپس امام علیه السلام با استناد به آیاتی^۱ از قرآن کریم فرمودند: «الدين هو الحب و الحب هو الدين» دین محبت است و محبت دین است.^۲ این سخن به خوبی جایگاه و اهمیت محبت را روشن کرده است: زیرا مهمترین ناموس انسان، دین است که در موقع لزوم، همه هستی خود را باید فدای آن کند و مطابق این روایت، اساس دین محبت است. از نظر قرآن کریم مؤمن باید بیشترین محبت را نسبت به خدا داشته باشد^۳ و خداوند اساس زندگی مشترک را نیز بر پایه دوستی بنا نموده است.^۴ از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود، جامعه مطلوب قرآنی جامعه‌ای است که بر اساس محبت خدا و محبت نسبت به یکدیگر شکل بگیرد؛ همه مردم خود را برادر یکدیگر بدانند و تا سر حد ایثار و فداکاری نسبت به یکدیگر محبت بورزند. آیاتی همچون: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين أخويكم»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید».^۵ «فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً»؛ «پس در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید».^۶ «فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه»؛ «خداوند به زودی عده‌ای را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند».^۷ «يحبون من هاجر اليهم و لا يجدون في صدورهم حاجة مما أوتوا و يؤثرون على أنفسهم و لو كان بهم خصاصة»؛ «کسانی که به سوی ایشان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به آنان داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند!»^۸ و آیات دیگر همه گویای این است که محبت، اساس و پایه یک جامعه‌ی اسلامی است. در روایات نیز آمده است که محبت روح خدا در میان بندگان است و چیزی شیرین‌تر از محبت نیست.

۱- سوره آل عمران، آیه ۳۱، سوره حجرات، آیه ۷ و سوره حشر، آیه ۹

۲- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، آل‌البیت لاحیای التراث، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۷۱

۳- بقره/۱۶۵

۴- روم/۲۱

۵- حجرات/۱۰

۶- آل عمران/۱۰۳

۷- مائده/۵۴

۸- حشر/۹

قرآن کریم برای اشاره به مفهوم محبت و دوستی از واژه‌های گوناگونی استفاده نموده است که به بیان آنها می‌پردازیم:

۱- محبت

واژه «محبت» در قرآن کریم تنها یک بار آمده است: «وَالْقِيَتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي»؛ و من محبتی از خودم بر تو افکندم^۱ اما مشتقات آن ۹۴ بار به کار رفته است:

الف) ۶۴ بار از باب افعال (أَحَبَّ، يُحِبُّ) مانند: آیات ۱۶۵ بقره، ۵۴ مائده، ۱۸۸ آل عمران و... کاربرد فعل ثلاثی مجرد از ماده‌ی «حَبَّ يَحِبُّ» مانند «عَزَّ يَعْزُّ» خیلی کم است. به همین جهت در قرآن کریم بکار نرفته است و استعمال شایع آن از باب «افعال» است.

ب) نه بار به صورت مصدر (حُبَّ)، مانند آیات ۱۶۵ و ۱۷۷ بقره، ۱۴ آل عمران، ۳۰ یوسف و...

ج) چهار بار باب «استفعال» (استَحَبَّ يستحب)، مانند: آیات ۳ ابراهیم، ۱۷۴ فصلت، ۳۳ توبه و ۱۰۷ نحل که در هر چهار مورد با «علی» آمده است به معنای ایثار (برگزیدن)^۲

د) سه بار أفعَلَ تفضیل (أَحَبَّ): آیات ۲۴ توبه، ۸ و ۳۳ یوسف

ه) یک بار باب تفعیل (حَبَّبَ) که در آیه ۷ حجرات آمده است.

ط) یک بار أَحَبَّاء (جمع حبیب) که در آیه ۱۸ مائده آمده است.

ی) هفت بار نیز «حَبَّ» و پنج بار «حَبَّة» آمده است که به معنای دانه می‌باشد، چون نتیجه‌ی کار «زارع» است به آن توجه و میل دارد و آن را دوست می‌دارد^۳.

۱- طه / ۳۹

۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۴۱

۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۴

«محبت» و مشتقات آن در کتاب‌های لغت و تفسیر، اخلاق و... به صورت‌های گوناگون تبیین شده است از آن جمله: «حب» نقیض بُغض (کینه و دشمنی) است.^۱ اراده کردن و خواستن چیزی که یقین یا گمان به خیر و خوبی آن داری.^۲ ولی هر اراده‌ای «محبت» نیست. «محبت» به معنای تعلق و وابستگی خاص دانسته شده است.^۳ همچنین به معنای دوستی و میل شدید مقابل بعض و تنفر گرفته‌اند.^۴ حالتی است در دل یک موجود دارای شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملایمت و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد مثل نیروی جذب در میان موجودات بدون شعور.^۵ به نظر می‌رسد «محبت» حقیقتی است که هر انسانی آنرا در وجود خود به طور وجدانی حس می‌کند و می‌فهمد. زیرا هیچ دلی خالی از محبت نیست، محبت به فردی، خوردنی، نوشیدنی، راحتی و آسایش یا نعمت‌های دیگر و... بنابر این، محبت یک نوع جاذبه، میل و کششی است که در یک موجود صاحب شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملایمت و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد، پدید می‌آید.^۶

۲- «مودت»

برخی «مودت» را به معنای «محبت» گرفته‌اند^۷ و مشتقات آن ۲۸ مرتبه در قرآن به کار رفته است، اگر با «لو» بیاید متضمن معنای «تمنی» و «آرزوست» مثل آیه ۲۱ حجر^۸. ماده‌ی «حب» با «لو» تمنی نمی‌آید، در عین حال «مودت»، محبتی است که اثر آن در عمل ظاهر می‌شود، مثل ألفت، مراودت (آمد و شد) و احسان و...^۹. لذا درباره‌ی «محبت»

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۹

۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۴۰

۳- موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۰

۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۷۹

۵- اسکندری، محمد حسین، درسهای استاد محمدتقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۰، ص ۳۵۹

۶- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیاء، ج ۸، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی‌تا، ص ۶۵

۷- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۶۵

۸- موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۹۷

۹- همان، ج ۱۶، ص ۱۶۴

میان زوجین واژه‌ی «مودت» به کار برده شده است: «و جعل بینکم مؤدَّةً و رحمةً»^۱ و خداوند خودش را «ودود» معرفی فرموده است: «ان ربی رحیمٌ وودودٌ»^۲ چرا که محبت خداوند با نعمت، احسان و بخشش همراه است.

۳- «ألف»

در حقیقت به معنای «جمع شدن» است^۳ و محبت و دوستی، نتیجه‌ی و ثمره‌ی آن است نه این که الفت به معنای محبت باشد^۴ «الف» و مشتقات آن ۲۲ بار در قرآن بکار رفته است که در برخی موارد اشاره به عدد معین است^۵ به عدد هزار «ألف» می‌گویند زیرا ده‌ها و صدها را در خود جمع نموده است^۶.

۴- «خلت»

«خلل» در لغت به معنی شکاف، وسط و گشادگی میان دو چیز است^۷. گفته اند: خلّه آن اختلالی است که عارض نفس می‌شود یا به جهت علاقه بسیار به آن و یا به جهت نیاز به آن^۸. ماده‌ی «خلل» ۱۳ بار در قرآن آمده است (خلال، خلیل، أخلاء (جمع خلیل)، خلّة) بنابراین ماده «خلل» به معنای محبت نیست، اما تعبیر دوست به «خلال» و «خله» ممکن است به چند جهت باشد:

۱. به جهت آنکه محبت قلب را می‌شکافد و در نفس انسان نفوذ می‌کند، مانند تیری که در قلب هدف فرو می‌رود^۹.
۲. به خاطر آنکه نفس احساس نیاز به محبوب می‌کند^{۱۰}.
۳. چون هر یک از دو دوست، دوستش را از اسرارش آگاه می‌کند، پس گویا در میان قلب او جا دارد^{۱۱}.

۱- روم/۲۱

۲- هود/۹۰

۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۱۸۳

۴- آل عمران/۱۰۳

۵- مانند سوره بقره، آیات ۹۶ و ۲۴۳، سوره آل عمران، آیات ۱۲۴ و ۱۲۵، سوره انفال، آیه ۹ و...

۶- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه‌ی «الف»

۷- همان، ج ۱، ص ۶۱۹

۸- همان، ص ۶۲۱

۹- همان

۱۰- همان

۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان، فراهانی، ج ۶، تهران، ۱۳۶۰، ص ۶۶

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِائَةَ رَحْمَةٍ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، كُلُّ رَحْمَةٍ مِنْهَا طِبَاقٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَاهْبِطَ رَحْمَةً مِنْهَا إِلَى الْأَرْضِ فِيهَا تَرَاخُمُ الْخَلْقُ وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا وَبِهَا تَشْرَبُ الطَّيْرُ وَالْوُحُوشُ مِنَ الْمَاءِ وَبِهَا تَعِيشُ الْخَلَائِقُ»؛ «خدا روز آفرینش آسمان‌ها و زمین، صد رشته مهر و محبت پدید آورد. هر رشته‌ی مهر و رحمتی از آن صد رحمت، برابر فضای میان آسمان و زمین است. یک رشته از آن صد رشته را به زمین فرود آورد. همه‌ی مخلوقات به وسیله‌ی آن به یکدیگر مهر می‌ورزند، هر مادری به وسیله‌ی آن به فرزندش مهربانی می‌کند، پرندگان و وحوش در سایه‌ی آن آب می‌نوشند و همه‌ی خلائق به کمک آن زندگی می‌کنند.» و درباره‌ی نود و نه رشته‌ی دیگر آن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِائَةَ رَحْمَةٍ فَرَحْمَةٌ بَيْنَ خَلْقِهِ يَتَرَاخَمُونَ بِهَا وَادَّخَرَ لِأَوْلِيَائِهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ»؛ «خدا صد رشته‌ی رحمت آفرید. یک رشته‌ی از آن صد بخش در میان موجودات و مخلوقات اوست که به وسیله‌ی آن به یکدیگر مهر می‌ورزند و نود و نه بخش را برای عاشقان و اولیائش «در قیامت» ذخیره کرده است».^۳

اهل قرآن که هم اهل رحمت خداوند و هم با تمام وجود، انتظار و توقع رحمت خدا را دارند - که انتظار و توقع مثبتی است - به تعلیم قرآن از جان و دل و از راه حرکت و کوشش تا زنده هستند از خدا درخواست می‌کنند: «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۴، «... پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

علامه مجلسی در توضیح این آیه‌ی شریفه نقل می‌کند: حسنه در دنیا، مهر و محبت و رحمت نیکویی است که همه‌ی امور دنیایی انسان به آن نظام یابد و در آخرت، مهر و رحمت و نعمتی است که همه‌ی امور آخرت به سبب آن اصلاح شود.^۵

۱- میبیدی، احمد بن محمد، ترجمه کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۳، ص ۷۵۸

۲- همان، ج ۳، ص ۷۵۹

۳- انصاریان، حسین، فرهنگ مهرورزی، صص ۳۷۹-۳۸۰

۴- بقره/۲۰۱

۵- انصاریان، حسین، فرهنگ مهرورزی، ص ۴۰۱

آنان که نسبت به امتحانات و آزمایشات الهی بی تفاوت‌اند یا برخورد صحیحی با امتحان حق ندارند یا عکس آن‌چه را که از آنان خواسته‌اند عمل کنند، در حقیقت مانع تحقق حسنه‌ی دنیا و آخرت خود می‌شوند و ضربه‌ی غیرقابل جبرانی به خود می‌زنند.

ای کاش همه‌ی انسان‌ها در صراط مستقیم حق بودند تا با اراده و اختیار خود نسبت به همه‌ی امتحانات الهیه برخورد صحیح می‌کردند و از این راه حسنه‌ی دنیا و آخرت خود را تأمین می‌کردند و علاوه بر آن، از این که برای دیگران سختی و مشکل ایجاد نمایند، پرهیز می‌نمودند.

حضرت امام صادق (علیه السلام) در توضیح آیه‌ی شریفه‌ی: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «ما را به راه راست هدایت کن»، فرمودند: «أَرْشِدُنَا لِلزُّومِ الطَّرِيقِ الْمُوَدَّى إِلَى مَحَبَّتِكَ وَ الْمُبْلَغِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَّتِكَ وَ الْمَانِعِ مِنْ أَنْ نَتَّبِعَ أَهْوَاءَنَا فَ نَعْطِبَ أَوْ نَأْخُذَ بِأَرَائِنَا فَ نَهْلِكَ»؛ «ما را به پایبندی نسبت به راهی که به محبت می‌کشاند و به رضوان و خشنودی و بهشت می‌رساند و مانع از پیروی خواسته‌های بی‌محاسبه و بی‌جایمان می‌شود که سبب فساد و نابودیمان می‌گردد یا مانع از تکیه کردن به آرای باطل‌مان خواهد شد که موجب هلاکت‌مان می‌شود، راهنمایی کن».^۱

«وَالْعَلَمُ، أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، وَتَكْفُلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ، أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ، وَتَسْتَرحِمَهُ لِيَرْحَمَكَ، وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ، وَلَمْ يُلْجِئِكَ إِلَى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ»؛ «و بدان آن خداوندی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین به دست اوست، به تو اجازه‌ی دعا داد و اجابت آن را به عهده گرفته است و به تو دستور داده است که از او مسألت کنی و او عطا فرماید و تو از او رحم بخواهی، او به تو رحم فرماید. آن خداوند مهربان بین تو و خویشتن کسی که تو را از او بپوشاند قرار نداده است و تو را وادار نکرده است به سوی کسی که درباره‌ی تو به او شفاعت کند».^۲

۱- حمد/آیه ۶

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۳۸

۳- انصاریان، حسین، فرهنگ مهرورزی، ص ۴۰۳

۴- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱

محبت اکسیر شگفت‌آور و معجزه‌آسایی است، به این خاطر همه بدان التفات داشته‌اند.

عارفان از دید عرفانی، مفسران از زاویه‌ی قرآنی، محدثان از جنبه‌ی روانی، روانشناسان از چشم روانشناختی، توده‌ی مردم از عمق تجربه‌ی زندگی، خداوند محبوب و محب از بارگاه جبروتی خود؛ همه و همه بدان پرداخته‌اند.

کلمه‌ی «حب» و مشتقات آن به تنهایی و بدون واژه‌های مترادف و هم‌سنخ، هشتاد و سه بار در قرآن مذکور است.

ابراهیم خلیل (علیه السلام) خطاب به مشرکان روزگار خویش فرموده بود: «وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي»؛ «او آن خداوندی است که خوراکم می‌دهد و سیرابم می‌کند».

ذوالنون مصری در پاسخ پرسش‌گرانی که درباره‌ی آب و نان‌ش پرسیده بودند، جواب را از همین آیه‌ی زیبا اقتباس می‌کند.

به ذوالنون گفته بودند: چه می‌خوری؟ گفته بود: أَنْ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي، يطعموني طعام المعرفة و يسقيني شراب المحبة [خدایم خوراک دهد و سیراب کند، معرفت می‌خوراند و محبت می‌نوشاند]. آنگاه این بیت بگفت:

شراب المحبة خير الشراب و كلُّ شرابٍ سواه شرابٌ

شراب محبت بهین شراب است و جز آن شراب، همه شراب است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.

۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳- اسکندری، محمد حسین، *درس های استاد محمدتقی مصباح یزدی*، موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۰.

۴- انصاریان، حسین، *فرهنگ مهرورزی*، دارالعرفان، قم، ۱۳۸۵.

۵- حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، آل البيت لاحیای التراث، قم، ۱۴۰۴ ق.

۶- حسن زاده، صادق، *ترجمه و متن کامل اصول کافی*، قائم آل محمد(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، ۱۳۹۰.

۷- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *معجم مفردات الفاظ قرآن*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.

۸- سایت سازمان تبلیغات اسلامی، *محبت در قرآن کریم*، تاریخ بازدید: شنبه، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴.

۹- سایت راسخون (rasekhoon.net)، تاریخ بازدید: شنبه، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴.

۱۰- صدوق، ابوجعفر، محمدبن علی، *ترجمه امالی شیخ صدوق*، ترجمه محمد حسین خورشیدی، انتخاب اول، ۱۳۸۹.

۱۱- موسوی همدانی، سید محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن الکریم*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان*، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰.

۱۳- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *التيان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

۱۴- عسکری، حسن بن عبدالله، فروق اللغة، دار الآفاق الجديدة، بيروت، بی تا.

۱۵- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء فی التهذيب الاحياء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.

۱۶- فیومی، احمد بن محمد علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير الرافعی، مؤسسه دار المبصرة، قم،

۱۴۱۴ق.

۱۷- گیلانی، محمدی، شرح مناجات شعبانیه، سایه، تهران، ۱۳۷۵.

۱۸- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۳ق.

۱۹- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.

۲۰- مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد نعمان، الامالی، ترجمه طه طرزی، آدینه سبز، تهران، ۱۳۹۱.

۲۱- میبدی، احمد بن محمد، ترجمه کشف الاسرار و عدة الابرار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.